مدیر مجموعه تئاتر شهر:

تعطیلی تئاترشهر برای تامین آرامش تماشاگران و گروه‌ها بود

در پی تعطیلات تئاتـــر در روزهای اخیر، مدیر مجموعه تئاتر شهر می‌گوید که این تعطیلی صرفا برای تامین آرامش تماشاگران و گروه‌های اجرایی بوده و دلیل دیگری ندارد.

بـــه گزارش ایســـنا، در چند روز اخیر به دلیل شـــرایط اجتماعی خاصی که بـــه وجود آمد، اجرای آثار نمایشـــی در تئاترهای مرکز شـــهر برای حفظ امنیت تماشـــاگران و گروه‌های اجرایی تعطیل شد.

مجموعه تئاتر شهر به عنوان مهم‌ترین مجموعه تئاتری کشـــور اولین مکانی بود که تعطیلی اجراهای خود را اعلام کرد. در این مجموعه ۵ گروه نمایشـــی مشغول اجرای آثار خـــود بودند که وضعیت اجتماعی کشـــور آنـــان را از اجرا بازداشت.

حالا این گروه‌ها بخشـــی از اجراهای خود را از دســـت داده‌اند و از ســـوی دیگر تغییر جدول اجراهای تئاتر شـــهر همواره کاری دشـــوار بوده است. بنابراین این پرسش وجود دارد کـــه مدیریـــت ایـــن مجموعه برای جبران خســـارت گروه‌هایی که اجرایشان متوقف شده چه راهکاری می‌تواند داشته باشد.

ســـید محمد جواد طاهری، مدیر تئاتر شهر در پاسخ به این پرسش ایسنا می‌گوید که برای تغییر جدول برنامه‌های این مجموعه قدرت مانور زیادی ندارد اما تلاشش را به کار می‌گیرد که تا حد ممکن با گروه‌های نمایشی همکاری کند تا کمتر دچار زیان شوند.

او توضیح می‌دهد: متاســـفانه برای تغییر جدول اجراها قدرت مانور زیـــادی نداریم زیر در صـــورت تغییرات زیاد، گروه‌هایی که اجراهایشـــان در ماه پایانی سال روی صحنه می‌رود، دچار مشـــکل خواهند شد. از سوی دیگر مجموعه تئاتر شهر میزبان جشنواره‌های نمایش عروسکی، صاحبدلان و فجر هم خواهد بود که همین موضوع هم اجازه نمی‌دهد جدول اجراها را دستخوش تغییراتی جدی کنیم.

طاهری اضافه می‌کند: نظر شخصی من این است که از اجرای هر گروه نمایشـــی دو ســـه روزی کم شود تا گروه‌ها کمتر متضرر شـــوند. وی خاطرنشـــان می‌کند: مساله فقط جدول نیســـت. موضوع اینجاست که اغلب بازیگران به جز تئاتری در پروژه‌های ســـینمایی و سریال‌های تلویزیونی یا شـــبکه نمایش خانگی هم فعالیت می‌کننـــد و برای تغییر جدول، باید برنامـــه بازیگران هر یـــک از اجراها را در نظر داشته باشیم. به عنوان نمونه بعد از اجرای نمایش «پدر» در تالار اصلی تئاتر شهر، نمایش «گالیله» با بازی فرهاد آییش در این تـــالار نوبت اجرا دارد. آقای آییش بعد از اجرای این نمایش برای حضور در پروژه‌ای تصویری متعهد شده است. بنابراین اگر برنامه را خیلی جا به جا کنیم، ایشـــان به تعهد خود نمی‌رســـد. این یک نمونه مثال است و نشان می‌دهد دست‌مان برای تغییرات زیاد، باز نیست.

این مدیر هنری تاکید می‌کند که تا در یکی دو روز آینده به راهکاری اجرایی برای حل این مشکل خواهند رسید.

او همچنین درباره از ســـر گیری اجراهای مجموعه تئاتر شـــهر که همچنان تعطیل هســـتند، توضیح می‌دهد: فعلا چیزی اعلام نشـــده ولی حدس‌مان این اســـت که از اوایل هفته آتی اجراها آغاز شـــود مگر اینکه شـــرایط خاصی رخ بدهد و ناچار شویم برای رعایت حال تماشاگران و گروه‌های نمایشی، دوباره اجراها را تعطیل کنیم.

طاهری با اشـــاره به اینکه مهم‌ترین نکته، تامین امنیت تماشـــاگران اســـت، تاکید می‌کند: همه تلاش ما این است که تماشـــاگران در آرامش به تماشای تئاتر بنشینند اما در چند روز اخیر این شـــرایط فراهم نبود. بنابراین اگر اجرای نمایش‌ها ادامه پیدا می‌کرد، تماشاگر نمی‌توانست با فراغ بال نظاره‌گر آثار نمایشی باشد. از طرف دیگر گروه‌های نمایشی هم به دلیل شـــرایط خاص اینترنت، امکان اطلاع‌رسانی و تبلیغ آثار خود را نداشتند، بنابراین بهترین کار این بود که برای حفظ آرامش تماشاگران و ایجاد شرایط مناسب برای اطلاع‌رســـانی و تبلیغ گروه‌های نمایشی، چند روزی اجراها را تعطیل کنیم تا وضعیت بهتری ایجاد شود. تعطیلی تئاتر شهر تنها به این دلیل بوده و معنای دیگری ندارد.

اعتراضات اخیر، مخاطبان سینما را به یک سوم کاهش داد

بررسی‌ها نشـــان می‌دهد ناآرامی‌های اخیر کشور تنها طی هفته ابتدایی، میزان مخاطبان ســـینما را به یک‌ســـوم کاهش داده است. به گزارش ایرنا، ناآرامی‌های اخیر در کشور، علاوه بر تمام خسارت‌هایی که در بخش‌های عمومی به همراه آورد، ضربات مهلکی را بر پیکره نحیف سینما وارد کرد.

اگر شـــروع این ناآرامی‌ها را از آخرین شنبه شـــهریورماه ملاک قرار دهیم و برای آن، یک بازه ۷ روزه (تا ساعت ۱۷ روز شنبه که سینماها به مناسبت ایام شهادت تعطیل شدند) تعیین کنیم، می‌بینیم که تعداد مخاطبان، به یک‌سوم تقلیل می‌یابد.

باتوجه به متوسط میزان استقبال روزانه از سینما که در فصل تابســـتان، ۴۲ هزار نفر در روزهای عادی و ۱۵۰ هزار نفر در سه‌شـــنبه‌ها و دو روز پایانی هفته است، سینماها به صورت هفتگی، پذیـــرای ۶۰۰ هزار مخاطب بودند اما بررسی‌ها نشـــان می‌دهد که این تعداد در بازه مورد اشاره، به ۲۳۸ هزار نفر کاهش پیدا کرده است.

فارغ از حساسیت‌هایی که سبب می‌شد تا بسیاری از شـــهروندان از خانه‌ها خارج نشوند، تمامی ســـینماهای کشـــور نیـــز در حرکتی هماهنگ، ســـانس‌های شـــبانه خـــود را کم کرده و ترجیح دادند تا آخرین ســـانس آنها از ســـاعت ۲۲:۳۰ فراتر نرود. البته که بسیاری از پردیس‌ها و سینماها نیز آخرین سانس خود را قبل از ساعت ۲۲ به پایان بردند.

ایـــن وضعیت اما محدود به این بازه ۷ روزه نشد و بررسی خبرنگار ســـینمایی ایرنا نشان می‌دهـــد که دامنـــه ایـــن محدودیت‌ها برای روزهای پایانی این هفته و حتی آغازین روزهای هفته آینده نیز گسترده شده است.

خسارت‌ها البته به همین جا ختم نشد. قرار بود از امروز، ۳ فیلـــم ملاقات خصوصی، خط اســـتوا و گیج‌گاه به روی پرده برود که با توجه به شرایط فعلی سینماها که به کاهش سانس و البته کم شدن دفعی مخاطب منجر شده است، این فیلم‌ها نیز به روی پرده نرفتند تا سینماها پـــس از ماه صفر نیز با همـــان ناوگان قبلی به فعالیت خود ادامه دهند.

البته که با بـــروز این‌ناآرامی‌ها، جنگ‌های شـــادی و نمایش‌های کمدی که بســـیاری از سینماها و پردیس‌های پایتخت قرار بود پس از ۲ ماه تعطیلی، آنها را از سر بگیرند نیز همچنان متوقف مانده است.

این نمایش‌های کمدی که بلیت آنها از ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان متغیر بوده و دیگر در میان مخاطبان جا افتاده اســـت، قرار بود از امشب و پس از ۲ ماه تعطیلی، دوباره به جریان بیفتد، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که تنها ۲ نمایش، از فـــردا آغاز به کار خواهنـــد کرد و تکلیف به روی صحنه رفتن ده‌ها جنگ شادی دیگر که به‌واسطه میزان بلیت‌فروشی بالا، نقش مهمی در حیات ســـینماها دارد، هم‌چنان مشـــخص نیست.

بنابراین مشخص می‌شود ناآرامی‌های اخیر، علاوه بر خســـارات مالی فراوان که به صنعت ســـینما در تمامی ارکان وارد آورده است، در حوزه روانی نیز بســـیار تاثیرگذار عمل کرده و این پارامتر برای ســـینمایی که تلاش داشت تا در این روزها و هفته‌هـــای اخیر، خود را به دوران پیش از کرونا برســـاند، اتفاق به‌شـــدت ناخوشایندی محسوب می‌شود.

گفت‌وگو با یک مولاناپژوه همزمان با روز مولانا

اصلی‌ترین و مهمّ‌ترین پیام مولانا «انسان» و «عشق» است

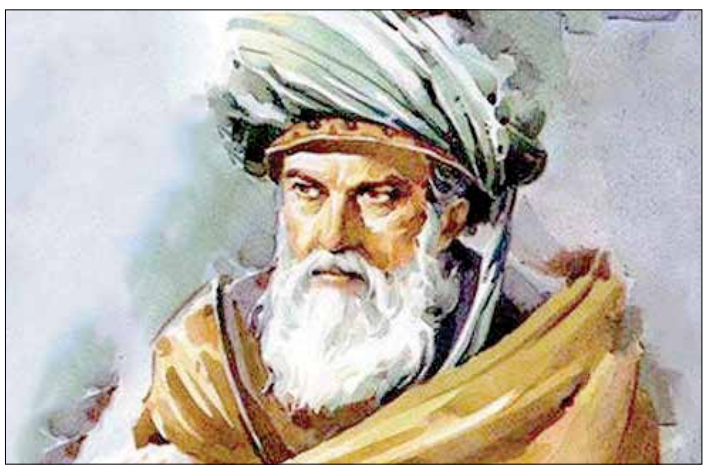

هشتم مهر ماه بزرگداشـــت «جلال الدین محمد بلخی» معروف به مولانا، شـــاعر فارسی زبان ایرانی بزرگ اســـت. محبوبیت شعرهای مولانا طـــی دوره‌های زمانـــی مختلف موجب شـــده اســـت تا این شـــاعر بزرگ قرن هفتم هجری قمری از شـــهرت خاص و ویژه‌ای بین شعر دوستان و علاقه مندان به ادبیات فارسی در ســـطح جهانی برخوردار شود. سبک خاص فکری و شـــعری وی به زمـــان خاصی محدود نبوده و به گونه‌ای است که به اعتقاد بسیاری، اشـــعارش قابل قیاس با هیچ شـــاعر و متفکر دیگـــری به غیر از خودش نیســـت. عرفان در زندگی مولانا از اهمیت بسیاری برخوردار بوده اســـت و این شـــاعر در باب اهمیت آن عنوان می‌کند که چون بال‌پرواز، می‌تواند انسان را به اوج برساند. مساله‌ای که نمود عینی خود را در اشعار مولانا نیز به وضوح نشان می‌دهد.

در گفت‌وگـــو بـــا «کیمیا تاج نیا» اســـتاد دانشـــگاه و مولاناپـــژوه به بررســـی برخی از مهمترین ابعاد حیات فردی و ادبی این شـــاعر برجسته کشورمان پرداختیم. مشروح گفتگو با کیمیا تاج نیا را در ادامه می‌خوانید.

یکی از نکاتی که در مورد مولانا مطرح می‌شود این اســـت که وی از شخصیتی پیچیده برخوردار اســـت و در قالب‌های رایج نمی‌گنجد. به دیگر سخن، گویی به زمان و مکان خاصی تعلق ندارد و تعلق اصلی وی به کلیتِ بشـــریت است. دلیل یا دلایـــل اصلی این موضـــوع را در چه می‌دانید؟

مولانا یـــک تجربـــه زیســـتی فرازمانی و فرامکانی‌ســـت. اوج تـــوان و تمنّای انســـانی برای مزیـــدنِ والاترین آناتِ شـــهود و اله در مولانا پیداســـت. گزارش‌های دو شـــناختنامه مهمّ درباره مولانا یعنی رســـاله سپهســـالار، «فریدون‌بن‌احمدسپهسالار» و مناقب‌العارفین «احمدافلاکی» نشان می‌دهد که ظرفیّت‌های زیســـتی مولانا از کودکی ظرفیّت‌هایی افزون بوده و این فزونی و فرادستی به چشم می‌آمده: از روایت دیدار مولانـــای کوچک با فریدالدّین عطّار نیشابوری بگیریم و آن پیشگویی پیرانه خطاب به پدر مولانا که «زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند»، تا حسن توجّه و اقبـــال پدرش «بهاءولد» بـــه او چنان که در خردسالی او را خداوندگار می‌خوانده و استادش «کمال‌الدّین ابن‌عدیم» که او را بر هم‌سالان و هم‌ترازانش برتری می‌داده، تا اشارات شمس در مقالات که «مولانا این ساعت در ربع مسکون مثل او نباشد در همه فنون» و «مرا مولانا بس اســـت» و «من اگر صدســـال بکوشم ده یک علـــم و هنر او حاصل نتوانم کرد» و «از برکات مولاناست هر که از من کلمه‌ای می‌شنود» همه روایتی‌ست از ظرفیّت پر تاب و توش مولانا در جهان روح و شهود.

این گســـتره ازلـــی _ ابدی در اندیشـــه و احساس که از زندگی و آثار مولانا روایت شده و به ثبت رســـیده، دامنه باشـــندگی معنوی و معرفتی مولانا را به قدر همه بشـــریّت فارغ از شاخصه‌های انحصاری زیســـتی (زمان/مکان/جنس/زبان/و...) وســـعت می‌بخشد. بنابراین شاید بشود گفت مهمّ‌ترین دلیل تعلّق مولانا به کلّ بشریّت گستره بی‌مرز تجربه‌های شهودی انســـانی او و بازتاب آن‌ها در آثار اوست. مولانا بارها و بارها خود را دانای کلّ هســـتی بشری معرّفی می‌کند:

بارها گفته‌ام که فاش کنم/هرچه اندر زمانه اسرار است

لیک از چشم زخم و بیم جفا/بر دهانم نهاده مسمار است

و یا: گر نشکستی دل دربان راز/قفل جهان را همه بگشادمی

او خود را افزون تازنده از مرزهای هســـتی بشری می‌داند:

فهـــم و وهم و عقل انســـان جملگی در ره بریخت/

چون که از شـــش حدّ انسان سخت افزون تاختیم

حیات انسانی پنج گزاره معرفت شناختی و تجربی مشترک دارد و شاید بشود گفت همه تقلّاهای معرفت‌شناختی بشری گرد این پنج گزاره شـــکل گرفته: اله/انســـان/زندگی/مرگ/عشق. در سرتاسر هســـتی بشری، مولاناست شاید که به طرزی مبسوط و متعهدّانه به طرح و تبیین این پنج گزاره در شـــعرش کوشـــیده و بنابراین می‌شـــود او را به عنوان جامع‌ترین دایره‌المعارف مواجه با کلان گزاره‌های هستی بشری شناخت. این است که مولانا را از آن همه بشریّت می‌کند.

به نظر شـــما اصلی‌ترین و مهمترین پیامی که مولانا ســـعی داشته در قالب اشـــعار و آثار خود به مخاطبانش منتقل کند چه بوده است؟

من فکر می‌کنم اصلی‌ترین و مهمّ‌ترین پیام مولانا «انسان» است و «عشق». شالوده عرفان ایرانی طرح انگاره «انسان کامل» و به تبع آن عشق اســـت. این انگاره یعنی مذهب انسان _ خدایی کـــه در آن بی‌نفی اله، انســـان دردانه آفرینش خطاب می‌شود و پایه‌گاه و مایه‌گاهی هم‌ســـنگ و هم‌سفره با اله می‌یابد و ارتباطش با خداوند که در شـــرع ارتباطی ست مبتنی بر عبودیّت محض و خاکساری و بندگی، به ارتباط محبّی و محبوبی ارتقـــا می‌یابد بنیان‌گذارانی داشـــته اســـت: حلّاج و بایزیـــد و ابن‌عربی و دیگران.

یکی از بزرگ‌تریـــن نظریّه‌پردازان موضوع انســـان کامل از قضا شـــمس است. اوست که در مقالات می‌گوید: «ســـبحان‌الله، همه فدای آدمی‌انـــد و آدمی فدای خودش. هیچ فرمود: و لقد کرّمنا السّموات؟ و لقد کرّمنا العرش؟ اگر به عرش روی هیچ سود نباشد و اگر بالای عرش روی، و اگر زیر هفت طبقه زمین، هیچ ســـود نباشد. در دل می‌باید که باز شود. جان کندن همه انبیـــا و اولیا و اصفیا بـــرای این بود. این می‌جستند. همه عالم در یک کس است. چون خود را دانست همه را دانست».

از این روی اســـت که می‌بینیم مثنوی به نوعی «انســـان نامه» است. مولانا تحت تربیت و تاثیر معنوی شـــمس بوده و بنابراین اشارات او به والایی و ارجمندی مقام انســـان و مطالبه کنش‌گری محض از او برای شکل دادن هستی انسانیش به ویژه در مثنوی به چشم می‌آید:

جوهر است انسان و چرخ او را عرض/جمله فرع و پایه‌اند و او غرض

بحر علمی در نمی‌پنهان شده/در سه گز تن، عالمی پنهان شده

صد هـــزاران فصل داند از علوم/جان خود را می‌نداند آن ظلوم

داند او خاصیّت هر جوهری/ در بیان جوهر خود چون خری

قیمت هر کاله می‌دانی که چیســـت/قیمت خود را ندانی احمقی‌ست

جان جمله علم‌ها این اســـت این/که بدانی من کیم در یوم دین

آن اصول دین بدانســـتی تو لیک/بنگر اندر اصل خودگر هست نیک

از اصولینت اصول خویش به/که بدانی اصل خودای مرد مه

مولانا می‌گویـــد آدمی از خاک اســـت. امّا جوهری دارد که او را شناســـا می‌کند به معنا و کلمه:

آدمی بـــر قدّ یک طشـــت خمیر/برفزود از آسمان و از اثیر

هیچ کرّمنا شنید این آسمان؟ /که شنید این آدمیّ پرغمان؟

بر زمین و چرخ عرضـــه کرد کس/خوبی و عقل و عبارات و هوس؟

بنابرایـــن زندگـــی زمانی جلالـــت خواهد داشت که انســـان خود را بشکوه ببیند. انسانِ جلالت‌یافته، انسان برخوردار از فراوانی در مادّه و معنا می‌تواند به زندگی مجلّل کارساز پرفایده و شادمانه بیانجامد:

آدم اصطرلاب اوصاف علوســـت/وصف آدم مُظهر آیاتِ اوست

هرچه در وی می‌نماید عکسِ اوست/هم چو عکس ماه اندر آبِ جوست.

موضوع دیگر عشـــق است. ناب‌ترین تجربه انسانی که طبیب جمله علّت‌ها و دوای نخوت و ناموس ماســـت. در ستایش کارآمدی عشق در طریق به انسان همین بس که مولانا عشق را مهلک نفس‌امّاره می‌داند: آن نفس که شـــد عاشق امّاره نخواهد شد. در وصف ابتلای خود به عشق می‌گوید:

نهادم پای در عشقی که بر عشّاق سر باشم/ منم فرزند عشق‌ای جان ولی پیش از پدر باشم

و یا:

مرا دلی‌ست خراب خراب در ره عشق/خراب کرد خراباتی‌ای به یکباره

بگو به عشـــق بیاگر فتاده می‌خواهی/چنان فتاده که خواهی بیا و بردارش

مولانا خود را به تمامی ربوده عشق می‌داند:

ببـــرد عقل و دلم را براقِ عشـــقِ معانی/مرا بپرس کجا برد، آن طرف که ندانی

بدان رواق رسیدم که ماه و چرخ ندیدم/بدان جهان که جهان هم جدا شود ز جهانی

از این جاســـت که عشـــق توصیه همواره و موکّد مولانا به جهان انسانی‌ســـت؛ عشقی که شـــاخی در ازل و بیخی در ابد دارد و به گفته مولانا تکیه‌اش بر عرش و کرســـی نیست و در فضل و علم و دفتر و اوراق هم یافته نمی‌شود:

عمر که بی‌عشق رفت هیچ حسابش مگیر/ آب حیات است عشق در دل و جانش‌پذیر

عرفان و تعهد به آن یکی از مهمترین ویژگی‌های شخصیتی مولانا است که در آثار وی نیز نمود یافته است. به نظر شما عرفانِ مولانا چه مختصاتی دارد؟

بدون تردید عرفان مولانا عرفانی عاشـــقانه است. سلوک معنوی مولانا سلوکی‌ست مبتنی بر شـــعر و ســـماع و از این نظر وفادار است به بنیادهای ســـلوک شهودی ایرانی که در کنش عارفانه «ابوسعیدابوالخیر» هم می‌بینیم. منش معنـــوی مولانا برآیند جمـــال و حال و کمال اســـت. یعنی ارتقای معنوی انســـان در آن با جنبه‌های زیباشناختی و ذوق‌آور و روح‌بخش هســـتی در هم آمیخته و نوعی مشی معنوی طربناکانـــه را طـــرح انداخته اســـت. دقّت در دقایق کتاب «مناقب‌العارفین» که جامع‌ترین شـــناختنامه منثور مولاناســـت نشان می‌دهد که مولانا هرگز مشـــی خانقاهی نداشته و در مـــواردی خود نافی و ناقد ســـلوک خانقاهی و شیخ‌بازی و مرید پروری‌ست. شمس در مقالات می‌گوید که «خرقه نیست قاعده من، خرقه من صحبت است» و به یاد داشته باشیم که خرقه اصلی‌ترین المان صوفی‌گری آن روزگار اســـت که شمس از آن تبرّی می‌جوید.

عرفان مولانا عرفانی‌ست پر تپش و تابناک. پشت کرده به سرد و خشک و ادباری و گدارویی و رقصان و نغمه‌ریز از «نوا و نوّی و بر و بار و گل و گلنار و بخت‌فزونی و خندان‌دلی و لطف و رضا شـــادی و وفا و خوشی و بی‌خویشی». عرفانی مبتنی بر بوی و بهجت.

باز در مناقب‌العارفین تصریح شده است که مولانا در حالت ســـماع غزل می‌سروده یا غزل می‌خوانده است. ســـماع مولانا هرگز با اوراد و اذکار عربی همراه نبوده. پس اگر بشـــود ســـه شاخصه برجسته عرفان مولانا را فهرست کرد با توجّه به آن چه در پاسخ پرسش پیشین گفتم انسان و عشق و طرب را در این فهرست خواهم آورد. برخی به این نکته اشاره دارند که آشنایی مولانا با شمس انقلابی عمیق را در زندگی وی ایجاد کـــرده و پس از این آشـــنایی، مولانا به زبانِ شـــمس تبدیل شده است. در واقع مولانا تمامی شـــور خود را از شمس می‌گیرد و پس از رفتن شمس هم، مولانا با چالش‌های جدی در زندگی خود رو به رو می‌شـــود. به طور کلی رابطه این دو تا حد زیادی رمزآلود بوده است. نظر شما در این رابطه چیست؟

بله. رابطـــه میان شـــمس و مولانا یکی از رازناک‌ترین روابط بشری‌ست و با آن که خود مولانا در بیان و بازنگاری حالات و آنات حیات روحانی‌اش پرگوست و نیز با آن که شخصیّت یگانه و زندگی شگفت و آثار و افکار بی‌مانندش در درازنای زمان بشـــدّت و بسیار مورد توجّه و محلّ واکاوی مشتاقانش بوده این اسرارآمیزی و ابهام هم‌چنان پابرجاست.

افلاکـــی در مناقب‌العارفیـــن مولانـــا را سرّالله‌الاعظم می‌خواند. بزرگ‌ترین راز الاهی. و شمس را سرّالله‌بین‌الوری لقب می‌دهد. یعنی راز خداوند میـــان مردمان. دیـــدار و مواجهه شـــمس و مولانا تلاقی این دو راز بزرگ است و بعد شرح مشروح این رخداد در شعر توسّط مولانا هم از رازناکی آن نمی‌کاهد.

می‌شـــود از این مواجهه به عنوان گرانیگاه روابط اعلای انسانی یاد کرد. شمس در مقالات می‌گویـــد «مقصود از وجـــود عالم، ملاقات دو دوســـت بود، که روی در هم نهند جهت خدا، دور از هوا. مقصود نـــان نی، نانبا نی، قصّابی و قصّاب نی. چنانکه این ساعت به خدمت مولانا آسوده‌ایم».

مولانا در نخستین داستان دفتر اوّل مثنوی ابیاتـــی می‌آورد؛ آن جا که از دیدار پادشـــاه با حکیم معنوی حرف می‌زند:

هر دو بحری آشـــنا آموخته/هـــر دو جان بی‌دوختن بردوخته

گفت معشوقم تو بودستی نه آن/لیک کار از کار خیزد در جهان

این شاید زیباترین و کامل‌ترین توصیف از ارتباط معنایی شـــمس و مولاناست. دو بحریِ آشـــنا آموخته که جانشـــان بی‌دوختن به هم بردوخته شده‌ست.

نکته دیگری که بر پیچیدگی و ســـرّآمیزی ایـــن مواجهه می‌افزاید آن اســـت که تفکیک موقعیّت معنوی شـــمس و مولانا در نظام دو ســـره مریدی _ مرادی یا عاشقی _ معشوقی دشـــوار است. و دلیل آن هم چیزی جز امتزاج حقیقی و بی‌واسطه این دو نهاد متبرّک نیست. شـــمس به مقام معنوی خود وقـــوف دارد. با این همه به همـــان اندازه متوجّه مقام معنوی مولانـــا هم هســـت و در عباراتـــی فروتنانه و مهرآمیز از ناشناختن مولانا به «تغابن» تعبیر می‌کند. در دیوان شمس هم می‌بینیم که کفّه شمس _ مولانا به نسبت متوازن است و شرح مفاخره‌آمیز مولانا از هستی بی‌امان و شگفتش به اندازه عشق والا و شـــوق بی‌اندازه و انکسار قلبی‌اش به شمس و عشق او در جهان غزل‌ها انعکاس می‌یابد.

اخبار کوتاه

«آرش عاشوری‌نیا» عکاس درگذشت

آرش عاشوری‌نیا از عکاسان مطبوعاتی کشـــورمان روز گذشـــته در اثـــر برق‌گرفتگی در ۴۲ سالگی درگذشت.

به گـــزارش ایرنا از انجمن عکاســـان مطبوعـــات، آرش عاشوری‌نیا متولد ۱۳۵۹ در تهـــران بود و فعالیت‌های حرفه‌ای خود را با ورود به حوزه عکاسی صنعتی و تبلیغاتی در سال ۱۳۷۹ آغاز کرد. عاشوری‌نیا در جامعه عکاسی ایران با سایت عکس کســـوف که در سال ۱۳۸۳ راه انداخته بود و فعالیت‌هاش در سایت عکاسی شناخته می‌شد.

عاشـــوری‌نیا جزو نخستین عکاسان ایرانی بود که فتوبلاگش را به‌طور جدی به‌روزرســـانی می‌کرد و این فتوبلاگ در سال ۲۰۰۵ برنده جایزه فتوبلاگیز و در سال ۲۰۰۶ برنده جایزه گزارشگران بدون مرز شد. .

آرش عاشـــوری‌نیا علاوه بر فعالیت در روزنامه یاس نو، در دور جدید انتشار مجله زنان، دبیر عکس این مجله بود.

عاشـــوری‌نیا طی ســـال‌های فعالیت خود پرتره‌های بســـیار ارزشمندی از شخصیت‌های برجسته فرهنگی و هنری ایران گرفته است و علاوه بر این در زمینه عکاسی صنعتی و تبلیغاتی نیز بسیار فعال و تاثیرگذار بود.

برگزاری دو نمایشگاه عکس در تهران و دو نمایشگاه عکس دیگر در لندن و کلن از فعالیت‌های نمایشگاهی عاشوری‌نیا بود.

یادبود «امین تارخ» با نوای نی و شعری از سایه

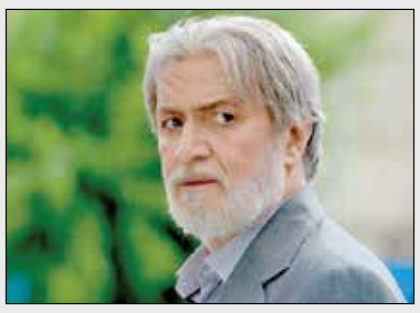

مجلـــس یادبـــود امین تارخ در میان اشک‌های بی‌پایان دوســـتداران او و با حضـــور جمعی از هنرمنـــدان و خانـــواده ایـــن هنرمند برگزار شد.

به گزارش ایســـنا، این مراســـم عصر امروز چهارشنبه ششم مهر ماه در مجتمع فرهنگی هنری پیامبر اعظم (ص) و با اجرای چندین قطعه موسیقی و تلاوت آیاتی از قرآن برگزار شد.

در این برنامه هنرمندانی همچون رضـــا رویگری، فاطمه معتمدآریا، عباس محبوب، فرهاد اصلانی، رخشـــان بنی‌اعتماد، باران کوثری، اصغر همت، رضا کیانیـــان، امیر آقایی، مجیـــد مظفری، عبدالجبار کاکایی، مســـعود رایگان، لیـــلا بلوکات، کورش ســـلیمانی، قطب‌الدین صادقی، علـــی عمرانی، مهدی امینی‌خواه، عبدالرضا اکبری، امیرحســـین رســـتمی، شهرام قائدی، حسین فرح‌بخش، حبیب رضایی، داوود فتحعلی‌بیگی، اکرم محمدی، محمدمهدی عسگرپور، مصطفی شایسته، قاسم زارع، محمد ساربان، مهوش وقاری، سعید پورصمیمی، الهام پاوه‌نژاد، جمشیدهاشـــم‌پور، پریزاد ســـیف، محمدحسین لطیفـــی، غلامرضا رمضانی، احمـــد حامد، فرهاد شـــریفی، جلال معیریان، حسین یاری، کاظم بلوچی، غلامرضا موسوی، مجید قناد، حبیب اسماعیلی، هوشـــنگ گلمکانی، عباس یاری، رضا توکلی، جواد طوســـی، مرتضی رزاق کریمی، پوریا پورسرخ، نیره فراهانی، سیمون سیمونیان، امیر عابدی، حسن آقاکریمی، منصور خلج، اکبر ســـنگی، مجید قناد و زهرا ســـعیدی در کنار خانواده این هنرمند یاد امین تارخ را گرامی داشتند.

در این برنامه که با صحنه‌گردانی مازیار میری برگزار شـــد، قطعه شعری از امیرهوشنگ ابتهاج (سایه) با نوای نی اجرا شد.

بـــا وجود محدودیت در اطلاع‌رســـانی در روزهای اخیـــر جمعیت زیادی در مجلس یادبود امین تارخ حاضر شدند، به گونه‌ای که تعدادی از میهمانان به صورت ایستاده نظاره‌گر این مراسم یابود بودند.

حاضران در این مراســـم با خانواده امین تارخ از جمله پری امیرحمزه، مادر همســـر این بازیگر و مســـعود کرامتی، دوســـت قدیمی و باجناق وی ابراز همدردی کردند.

امیـــن تارخ - بازیگر تئاتر، ســـینما و تلویزیون - کـــه در اوایل جوانی خود به دانشـــکده هنرهای زیبا راه یافت، در همان سال‌های آغازین دانشکده به صحنه تئاتر راه پیدا کرد و با بـــازی در نمایش‌هایی همچون هنری چهارم، لوران چیزیو، زن نیک ایالت سچوآن، حضور روی صحنه را تجربه کرد.

او در دوران طلایی دانشکده هنرهای زیبا نزد استادانی همچون دکتر محمد کوثـــر، بهران بیضایی و پرویز پرورش آمـــوزش دید و همواره محمد کوثر را بزرگترین اســـتاد خود می‌خواند. این بازیگر در ســـال‌های پیش از انقلاب با بـــازی در نمایش اوتلو در اولین ســـال‌های جوانی خود جایزه بازیگری تئاتر را به دست آورد.

امین تارخ که در کارنامه هنری‌اش همکاری با کارگردان‌هایی همچون علی حاتمی، داریوش فرهنگ، رســـول صدرعاملی، داریوش مهرجویی، مســـعود کیمیایی، جلال مقدم و پوران درخشنده به چشم می‌خورد، بازیگری سینما را از ســـال ۵۸ و با بازی در فیلم مـــرگ یزدگرد به کارگردانی بهرام بیضایی آغاز کرد.

او در سن ۲۲ ســـالگی در اولین سریال تلویزیونی غیر کمدی با عنوان شهر من شـــیراز به ایفای نقش پرداخت و حضور خود را در تلویزیون با بازی در مجموعه‌های درخشانی همچون سربداران و ابن سینا ادامه داد.

تارخ که دانش آموخته مقطع کارشناســـی ارشد در رشته مدیریت فرهنگی بود، در کنار فعالیت‌های هنری دل مشغولی‌های صنفی هم داشت و در سال ۷۳ اولین مدرسه سینمایی خصوصی را با عنوان کارگاه آزاد بازیگری تاسیس کرد که این کارگاه تا کنون حدود ۸۰ بازیگر شـــناخته شده را به دنیای هنر ارائه داده است.

مراسم یادبود این بازیگر با پخش قطعه‌ای در احترام به مقام پدر که از سوی فرزندان او نیما، مانی و نامی انتخاب شده بود، به پایان رسید.

خواننده برنده جایزه گِرمی درگذشت

«کولیـــو» خواننـــده معروف آمریکایی سبک رپ که سابقه بازی در چنـــد ســـریال و فیلم سینمایی را نیز داشت در ســـن ۵۹ ســـالگی درگذشت.

به گزارش ایسنا به نقل از وراییتـــی، او بیشـــتر برای قطعه موســـیقی «بهشت گانگسترها» به شهرت رسیدی، قطعه‌ای که در سال ۱۹۹۵ به یک موفقیت بزرگ تبدیل شد و جایزه بهترین تک آهنگ رَپ در جوایز گرمی را از آن خود کرد.

موسیقی «بهشت گانگسترها» که «کولیو» برای فیلم «ذهن‌های خطرناک» با بازی «میشل فایفر» ساخت به سرعت به یکی از مشهورترین آثار موسیقی رپ در تمام ادوار تبدیل شد و سه هفته در صدر فهرست ۱۰۰ آهنگ بیلبورد قرار داشت و در انتهای سال در رتبه نخست قرار گرفت.

«کولیو» در ادامه دهه ۹۰ میلادی دو آلبوم دیگر پس از آلبوم موفق «بهشت گانگسترها» منتشر کرد که به موفقیت اولین آلبوم تو دست نیافتند. در دهه نخســـت قرن جدید هم ۵ آلبوم موسیقی دیگر روانه بازار کرد که آخرین آن به سال ۲۰۰۹ بازمی‌گردد.

«کولیو» که یک بازیگر با اســـتعداد نیز بود در طول دوران حرفه‌ای خود در ده‌ها فیلم و سریال تلویزیونی ظاهر شد.

نخســـتین بار در نقش خودش در سریال «مارتین» (۱۹۹۵) حضور یافت و در ادامه در نسخه تلویزیونی «ذهن خطرناک» (۱۹۹۶) و فیلم‌های «سابرینا جادوگر نوجـــوان» (۱۹۹۶)، «بتمن و رابیـــن» (۱۹۹۷)، «دایه» (۱۹۹۸)، «تایرون» (۱۹۹۹)، «عشـــای نیمه شـــب» (۱۹۹۹)، «جـــذاب» (۲۰۰۲)، «ستارگان» (۲۰۰۹)، «فوتوراما» (۲۰۰۱، ۲۰۱۰) و «آبشار جاذبه» (۲۰۱۲) ظاهر شد.